

در احوال شخصیه:

(۲)

ع - در مورد حمل منتسب بمتوفی با تذکر اینکه شرط وارث بودن حمل مذکور انعقاد نطفه اش حین الموت مورثش وزنده بدنیا آمدن او است سه صورت زیر متصور است:
الف - اینکه وارث دیگری غیر از حمل وجود داشته باشد و حمل در بعضی موارد او را حجب کند.

ب - اینکه وارث دیگری موجود نباشد.

ج - اینکه وارث دیگری غیر از حمل موجود باشد و حمل حاجب او نباشد در صورت اول و دوم در تمام مذاهب اسلامی اعم از شیعی و سنی اختلافی نیست و حکم این است که ترکه تا زمان تولد حمل متوقف خواهد ماند همانطوریکه در قسمت اول ماده ۸۷۷ قانون مدنی ایران که از حقه جعفری گرفته شده نیز این عمل پیش بینی شده است زیرا لازمه هر دو صورت توقیف ترکه تا وضع حمل است.

و در صورت سوم چنانچه وارث غیر از حمل ذی فرض باشد با توضیح آنکه در تمام مذاهب اسلامی حکم مسئله جواز توریث قبل از وضع حمل است بعقیده شیعه و سنی سهم الارث وارث حاضر با رعایت احتیاط لازم داده میشود لکن این رعایت احتیاط در مذاهب شافعی و حنفی و مالکی و حنبلی (بعکس مذهب جعفری که حمل را همانطوریکه در قسمت اخیر ماده ۸۷۸ قانون مدنی ایران تصریح شده به دو پسر فرض و حصه که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد منظور میگردد) این است که حمل به دودختر (که فرض دودختر و بیشتر از آن تا هر عدد که اسکان تصور داشته باشد دو سوم $(\frac{2}{3})$ و بالسویه در آن ذی سهم میباشند و بزرگترین سهم صاحبان فرض است) فرض شود که در این صورت پس از وضع حمل حمل اگر مزبور دودختر یا بیشتر از آن بودند حقی از آنها تلف نشده و سهم فرض شده خودشان را که $\frac{2}{3}$ است و کنار گذارده شده میبرند.
و اگر یک دختر و یا اینکه فقط ذکور اعم از یکی یا بیشتر و یا ذکور و اناث بودند در این صورت سایر ذوی الفروض که طلبکار شوند بقیه طلب مقرر آنها محسوب و از مسئله ای که پیش بیاید داده میشود.

و گاهی در اینگونه موارد ممکن است کیفیتی پیش آید که کل ترکه حائز تمام سهام وراث ذوی الفروض نشود و سهام آنها بیشتر از مخرج مشترک باشد و لازم آید برای انجام رعایت احتیاط مزبور در آن مسئله عول (که در مسائل فرایض عبارت از این است که

در مواقع لزوم به نسبت مساوی از مقدار سهم ذوی الفروض کاسته و بر شماره آن اضافه گردد) معمول شود مثل مسئله منبریه که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالیکه در روی منبر مشغول ایراد خطبه بودند مسئله زیر از آن حضرت استفتاء شد.

وایشان ارتجالاً بدون اینکه خطبه را قطع کنند و بطوریکه جواب مسئله مکمل عبارت خطبه باشد پاسخ مطلوب را باین عبارت « **فصار ثمن المرثه لشعا** » مطابق حق و واقع دادند و شرح مختصر مسئله این است :

وارث متوفی حین الفوتش پدر و مادر و زوجه حامله بودند که با توجه بمراتب فوق چون وارث موجود که مادر و پدر و زوجه باشند تماماً ذی فرض هستند و فرض هر یک از والدین $\frac{1}{4}$ و سهم زوجه بواسطه حمل $\frac{1}{8}$ است .

و با ملاحظه اینکه نسبت بین مخرج سهم والدین که بواسطه اینکه مماثل میباشند طبق قواعد سوارث یکی از آنها منظور میشود با مخرج سهم زوجه که $\frac{1}{8}$ است توافق بالنصف است .

وقاعده در اینگونه موارد این است که باید برای بدست آوردن و درست شدن مسئله وفق سهم والدین که ۳ میباشد در مخرج سهم زوجه که ۸ است ضرب گردد حاصل ضرب آن که ۲۴ است اصل مسئله میباشد .

و چون بطوریکه ذکر شد در مذاهب اربعه سنی سهم دودختر یا بیشتر از آن که $\frac{2}{3}$ است باید کنار گذارده شود و چون $\frac{2}{3}$ از مسئله که ۱۶ میباشد توقیف و وضع گردد بقیه که هشت است برای سهام بقیه وراثت که $\frac{1}{4}$ سهم پدر و $\frac{1}{4}$ دیگر $(\frac{1}{4})$ سهم مادر و سه $(\frac{1}{8})$ سهم زوجه است کافی نمیشود برای جبران آن باید مسئله را از ۲۴ به ۲۷ عول نمود .

کما اینکه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با جواب استفتاء مرقوم که فرمودند: **(فصار ثمن المرثه تسعا)** عول فرموده باین معنی در حقیقت با اینکه سهم زوجه که بواسطه حمل ثمن است و از مسئله که ۲۴ است باید ۳ که ثمن آن است ببرد و چون بعلت عدم کفایت بقیه یعنی پس از توقیف ۱۶ که $\frac{2}{3}$ آن است برای حصه ۲ دختر یا بیشتر از آن بشرح مرقوم نمیتواند آنرا ببرد .

ناچار پس از اینکه به ۲۷ عول شود ۳ را از ۲۷ میبرد و چون ۳ نسبت به ۲۷ تسع $(\frac{1}{9})$ میباشد این است که حضرت امیر در جواب مستفتی باین عبارت مرقوم در آن حال که جز بر خوارق عادت نمیتوان مینا و ماخذ دیگری برای آن قایل شد حکم مسئله رایان فرموده اند

و می بینید که مسئله در ۲۷ درست میشود یعنی ۱۶ از ۲۷ که $\frac{2}{3}$ از اصل مسئله مسئله که ۲۴ است برای حمل منظور و نگاهداری میگردد و $\frac{1}{4}$ از آن که $\frac{1}{4}$ از اصل مسئله مزبور است برای پدر و $\frac{1}{4}$ دیگر که $\frac{1}{4}$ است برای مادر و ۳ از آن که $\frac{1}{8}$ از اصل مسئله مرقومه

است برای زوجه خواهد بود که جمع سهام مزبوره ۲۷ میباشد و باین کیفیت مسئله مختومه خواهد بود

و اگر حمل یک دختر و یا یک پسر و یا چند پسر و یا چند نفر از پسر و دختر بودند در صورت وجود یک دختر نصف از ۲۴ که اصل مسئله است و $\frac{3}{4}$ از دو ثلث منظور شده میباشد سهم دختر شده و به وی داده میشود و $\frac{1}{4}$ از آن که ۴ است باقی میماند که به نسبت $\frac{4}{6}$ برای دختر و $\frac{1}{6}$ برای پدر و $\frac{1}{6}$ دیگر برای مادر (که نسبت سهام آنها است) تقسیم میشود و زوجه چون در رد سهمی ندارد چیزی از آن نخواهد برد

و در سایر صور چون ذکور در بین است بطریق عصبوبت باین معنی اگر هم مذکر باشند بالسویه و اگر مذکر و مؤنث بودند بطریق مفاد آیه کریمه «لذکر مثل حظ الانثیین» دو ثلث مذکور در بین آنها تقسیم خواهد شد - بقیه دارد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی